

اشاره:

رهایی از اقتصاد تک محصولی و وابسته به نفت و توسعه صادرات غیر نفتی، یگانه راه ادامه رشد و توسعه اقتصادی پایدار برای ایران اسلامی است.

در دومین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به منظور تأمین ۲۵ درصد از درآمد ارزی کشور از صدور کالاهای غیر نفتی، هدف دستیابی به ۲۷/۵ میلیارد دلار از صدور اقلام غیر نفتی مشخص شد.

عملکرد در سال اخیر در بخش صادرات غیر نفتی نشان می‌دهد که حدود ۷ میلیارد دلار از درآمدهای ارزی کشور از صدور این اقلام تأمین شده و برای دست یافتن به مابقی درآمد مورد نظر در برنامه سال‌های پایانی (۷۸-۱۳۷۶)، ارزش صادرات غیر نفتی باید به حدود ۷ میلیارد دلار در سال برسد.

با روند کنونی، مشاهده می‌شود که رسیدن به چنین درآمدی از صادرات اقلام غیر نفتی، چندان آسان نیست و بازنگری در سیاست‌های اقتصادی و به ویژه سیاست‌های پولی و بانکی الزامی است. بانک‌ها می‌توانند نقش فعالی در رشد صادرات غیر نفتی ایفا کنند، اما با موانعی روبه‌رو هستند که ضرورت دارد هر چه سریع‌تر برداشته شود.

در این گزارش، نقش نظام بانکی در توسعه تجارت، مشکلات صادرکنندگان و واردکنندگان با نظام بانکی و تنگناهای نظام بانکی در یاری رساندن به کارآفرینان اقتصادی بررسی می‌شود.

تنگناهای نظام بانکی

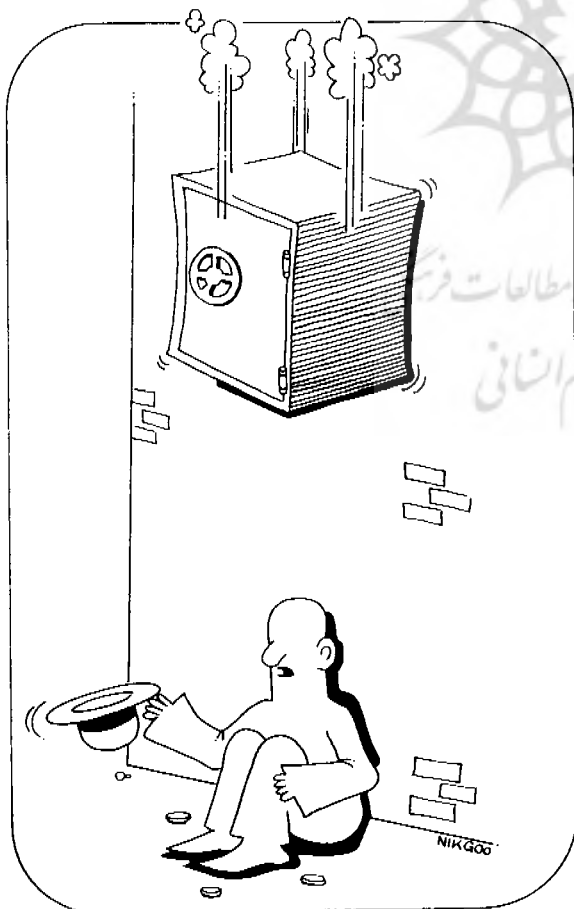
نقش نظام بانکی در توسعه تجارت خارجی

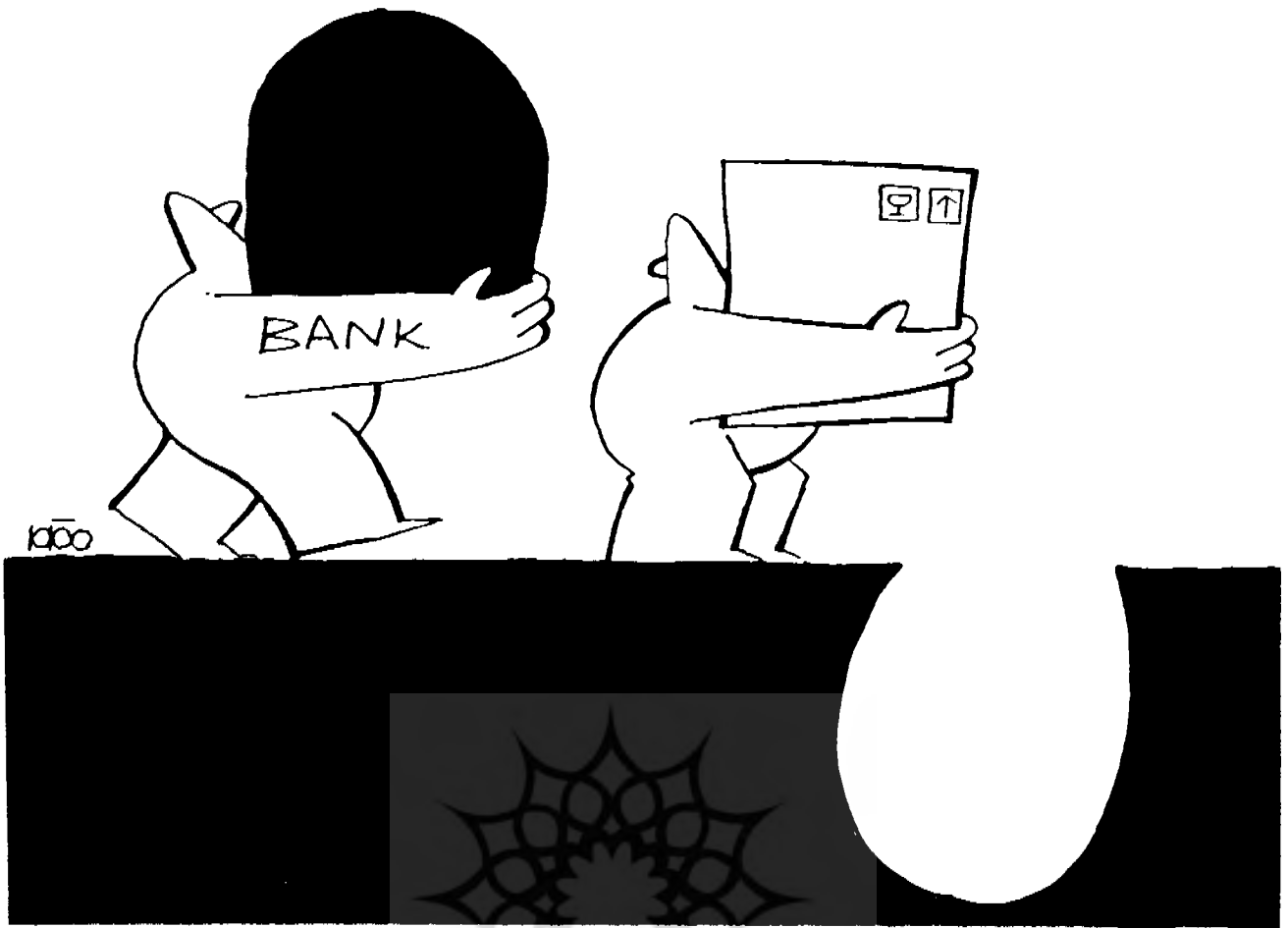
صادرکنندگان و واردکنندگان کالا از منابع نامحدود سرمایه برخوردار نیستند که بتوانند به تنهایی گردش سرمایه مورد نیاز برای توسعه صادرات غیر نفتی و تأمین نیازمندی‌های وارداتی به ویژه برای بخش تولید را تأمین کنند.

با توجه به محدودیت منابع مالی دست‌اندرکاران تجارت خارجی، نظام بانکی با جمع‌آوری سپرده‌های مردم و در اختیار نهادن این سپرده‌ها به متقاضیان سرمایه‌گذاری در امر تجارت خارجی، می‌تواند کارساز و گره‌گشا باشد.

در بسیاری از کشورها، نظام بانکی بخش قابل توجهی از منابع خود را صرف امور تجاری می‌کند تا از این طریق ضمن کسب سود در دوره زمانی کوتاه‌تر، نیازمندی‌های مردم و بخش تولید را تأمین و درآمد ارزی کشور را تقویت کند.

نظام بانکی ایران تحت تأثیر سیاست‌های پولی اتخاذ شده در دو برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، در برخی سال‌ها گشایش‌های مناسبی را برای واردکنندگان به وجود آورد، اما هم‌اکنون در این زمینه نقش کارسازي ندارد.





برای محدود ساختن صدور برخی کالاها به پاره‌ای از بازارها، سقف اعطای تسهیلات اعتباری به صادرکنندگان کالا به آن بازارها را کاهش دهند. به منظور تقویت صادرات برخی اقلام نیز بانک‌ها می‌توانند با افزایش میزان اعطای اعتبارات با بهره کمتر به صادرکنندگان آن کالاها وارد عمل شوند.

به این ترتیب بانک‌ها قادر هستند که در تقویت صدور اقلام خاص به بازارهای ویژه وارد عمل شوند و اهداف دولت در این زمینه را محقق سازند و به رشد صادرات نیز کمک کنند.

در بخش واردات نیز بانک‌ها قادر هستند از طریق آرایه خدمات و تسهیلات بانکی به واردکنندگان، ورود برخی کالاهای غیرضروری را محدود و خرید از برخی بازارها را کاهش دهند و در صحنه تجارت خارجی در راستای اهداف دولت وارد عمل شوند.

با این وصف نقش بانک‌ها در توسعه تجارت خارجی، تنوع بخشیدن به بازارهای صادراتی و وارداتی، کمک به دولت در تحقق اهداف خاص در روند تجارت و... نقش کلیدی ایفا کنند.

در بخش توسعه صادرات غیرنفتی تا دو سال پیش نظام بانکی فعالیت قابل توجهی در کمک رساندن به صادرکنندگان نداشت، اما در دو سال اخیر، با اولویت داده شده به صادرات تا حدودی در این زمینه فعال شده است. با این حال متناسب با اهداف برنامه در زمینه توسعه صادرات غیرنفتی فعالیت نکرده است.

○ **نظام بانکی با جمع‌آوری سپرده‌های مردم و در اختیار نهادن منابع موردنیاز دست‌اندرکاران تجارت خارجی می‌تواند در توسعه صادرات غیرنفتی و واردات اقلام موردنیاز بخش‌های مولد اقتصادی کارساز باشد.**

بانک‌ها می‌توانند با اعطای تسهیلات اعتباری به صادرکنندگان، آنها را در تهیه کالاهای قابل صدور از منابع داخلی یاری دهند. حتی برای گسترش صادرات به برخی بازارها می‌توانند تسهیلات ویژه‌ای در این زمینه به صادرکنندگان اعطا کنند و حتی

سرمایه از کشور را نه تنها جایز نمی‌دانند، بلکه صادرکنندگان واقعی آن را به نفع خود نیز نمی‌دانند. صادرکننده واقعی از سرعت گردش پول و کالا می‌تواند به سود برسد. استفاده یک مرحله از سرمایه برای صدور کالا نه تنها به صرفه نیست، بلکه صادرکننده را از لیست تجار واقعی خارج می‌سازد، زیرا تجار واقعی قادر هستند که به دفعات ارز حاصل از صادرات را به کشور بازگردانند و با تبدیل آن به

○ با افزایش میزان اعطای اعتبارات با بهره کمتر به صادرکنندگان کالاهای خاص به بازارهای ویژه، نظام بانکی می‌تواند صادرات غیرنفتی را در جهت خاص مورد نظر دولت (از نظر نوع کالا و بازار) هدایت کند.



ریال و خرید کالا از بازار داخلی، جریان صادرات را تداوم بخشند.

برای اعمال مقاصد سیاسی - اقتصادی دولت با استفاده از ابزار بانک‌ها هموار گردد.

○ شناسایی صادرکنندگان واقعی و اعطای برگه‌های اعتباری خاص به آنها که ملاک استفاده از تسهیلات اعطایی بانک‌ها باشد، می‌تواند امر صادرات را تسهیل و رونق بخشد.

شناسایی صادرکنندگان واقعی و اعطای برگه‌های خاص به آنها ضرورت دارد. این برگه‌ها می‌تواند ملاک استفاده از اعتبارات بانک‌ها برای صادرکنندگان باشد. از سوی دیگر تعیین سقف ۱۶ درصد برای تسهیلات اعطایی به بخش بازرگانی، در دوره‌ای که تجارت آزاد می‌تواند روند تولید را پایدار و امر صادرات را تداوم بخشد، کافی نیست. لازم است بانک مرکزی در تعیین سقف‌های اعتباری بانک‌ها به این مسأله عنایت داشته باشد.

با این وجود صادرات غیرنفتی ایران به بازارهای خارجی جز در مورد چند قلم کالای سنتی (فرش، پسته، خشکبار و...) ناشناخته است. برای معرفی کالاهای ایرانی به بازارهای خارجی، بانک‌ها

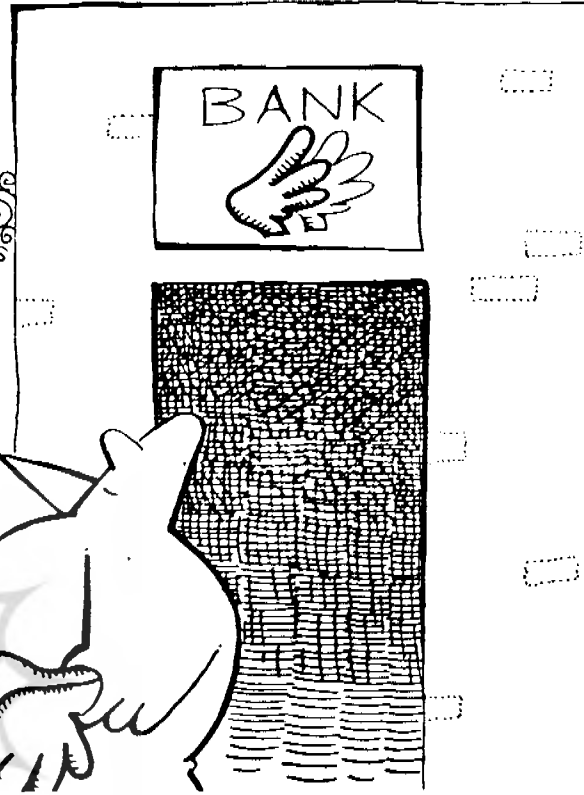
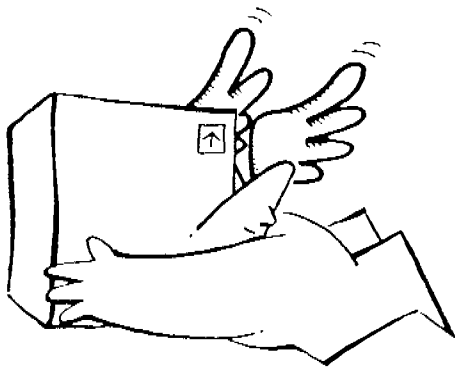
متأسفانه تاکنون بانک‌ها به دلایل مختلف نتوانسته‌اند نقش مؤثری در تجارت خارجی ایفا کنند. به همین جهت اکثر صادرکنندگان و واردکنندگان از نحوه آرایه تسهیلات و خدمات بانکی رضایت خاطر ندارند.

به منظور کمک به توسعه صادرات غیرنفتی و نیز تهیه به موقع اقلام مورد نیاز کشور، ضرورت دارد که نظام بانکی به نقش کلیدی خود در تجارت خارجی بیش از پیش واقف گردد و با برداشتن موانع کنونی، مسیر

مشکلات صادرکنندگان و واردکنندگان با نظام بانکی

صادرکنندگان کالا و خدمات برای تأمین و تهیه کالا و خدمات از بازار داخلی و صدور آن به بازارهای خارجی، معمولاً با تنگناهای مالی روبه‌رو هستند. آنها که به لحاظ ناشناخته بودن در بازارهای جهانی گاه مجبورند کالای خود را به‌طور امانی صادر کنند و از سرانجام دریافت پول و رسیدن کالا به مقصد بی‌خبر هستند، نه تنها دسترسی کافی به منابع بانک‌ها ندارند، بلکه مجبور به سپردن تعهدنامه ارزی به بانک‌ها هستند. در صورتی که کالا به هر دلیلی سالم به مقصد نرسد یا فروش آن در بازارهای خارجی با وقفه صورت بگیرد و یا با قیمت مصوب کمیسیون نرخ‌گذاری به فروش نرود، هنگام تسویه تعهدنامه ارزی با دشواری‌های گوناگونی روبه‌رو هستند و اثبات قضیه نیز چندان آسان نیست.

باید توجه داشت که تمام صادرکنندگان کالا، اقدام به فرار



توانایی بانک‌ها در پاسخگویی به نیازهای مالی دست‌اندرکاران تجارت خارجی

عملکرد چندسال اخیر نظام بانکی در اعطای تسهیلات اعتباری به دست‌اندرکاران تجارت خارجی نشان می‌دهد که آنها نتوانسته‌اند به نیازهای مشتریان تاجر خود به خوبی پاسخ دهند.

○ سالانه ۵ تا ۶ میلیارد دلار اعتبار اسنادی برای کالاهای وارداتی گشایش می‌یابد که این جدای از واردات بخش دولتی است. تأمین منابع ریالی این واردات برای واردکنندگان چندان آسان نیست.

با توجه به مشکلاتی که در زمینه بدهی‌های خارجی ایران در اواخر سال ۷۲ و سال ۷۳ رخ داد، سیاست پولی انقباضی برای اصلاح امور تجویز شد. این سیاست با تلاش بانک مرکزی برای زمان‌بندی دوباره بدهی‌های خارجی و پرداخت به موقع تعهدات در

می‌توانند با اعطای تسهیلات ترجیحی نقش فعالی ایفا کنند. واردکنندگان کالا نیز در رابطه با بانک‌ها مشکل دارند. آنها موظف شده‌اند که گاه تا ۱۰۰ درصد هم‌ارز ریالی اعتبار اسنادی خود را به بانک‌ها به صورت پیش‌پرداخت، بپردازند. اما منابع آنها محدود است و به همین جهت غالباً با مشکل روبه‌رو می‌شوند.

سیاست کنترل واردات، اعطای تسهیلات اعتباری به واردکنندگان را محدودتر ساخته است، در حالی که می‌توان چنین سیاستی را با منع بانک‌ها برای اعطای تسهیلات به واردکنندگان کالاهای غیرضروری و نیز اعطای تسهیلات با نرخ سود ترجیحی به واردکنندگان کالاهای اساسی و ضروری، مواد اولیه کارخانه‌ها و تجهیزات و ماشین‌آلات سرمایه‌ای غیرقابل ساخت در داخل، به گونه‌ای بهتر اعمال نمود و واردکنندگان کالاهای ضروری‌تر را با اعطای تسهیلات اعتباری یا دست‌کم کاهش میزان پیش‌پرداخت اعتبارات اسنادی یاری نمود.

سال‌های ۷۴ و ۷۵، ثمرات مفیدی داشت به گونه‌ای که در حال حاضر اعتماد نظام بانکی بین‌المللی و نیز دست‌اندرکاران تجارت در خارج از مرزهای کشور به نظام بانکی و بازرگانی خارجی ایران جلب شده است.

حجم بدهی‌های خارجی ایران از حدود ۳۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۱ به ۱۸/۵ میلیارد دلار در پایان آذر ۷۵ کاهش یافت. در همین حال سپرده‌های ارزی ایران نزد بانک‌های خارجی در شهریور ۷۵ به حدود ۱۰ میلیارد دلار رسید که برای واردات یک سال کشور کافی است.

کنترل واردات در دو سال اخیر به کسب مازاد تراز تجاری و تراز پرداخت‌های خارجی منجر شد که از نظر اعتبار ایران نزد جامعه بین‌المللی اهمیت بسزایی دارد.

با این حال نظام بانکی در تأمین نیازمندی‌های دست‌اندرکاران تجارت خارجی چندان توفیقی کسب نکرد. از نظر بانکداری، جمع‌آوری سپرده‌ها و سرمایه‌گذاری آنها در طرح‌های زودبازده و سودآور، بهترین شیوه استفاده از منابع بانکی است.

اما چرا بانک‌ها در ایران نتوانستند از این شیوه به بهترین نحو استفاده کنند، با وجود آن که بخش تجارت به‌ویژه تجارت خارجی از طرح‌های زودبازده و سودآور بوده است.

در دو برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، برعهده نظام بانکی در توسعه اقتصادی وظایف سنگینی نهاده شد. انجام این وظایف با اعطای تسهیلات اعتباری بانک‌ها به طرح‌های خاص تکلیف شد و در واقع بانک‌ها از ارزیابی توجیه اقتصادی طرح‌های سرمایه‌گذاری دور شدند و به تکالیف خود عمل کردند که ثمرات زیادی از نظر سودآوری نیز برایشان نداشت.

در قالب تبصره‌های قانون برنامه دوم و بودجه‌های سالانه کشور، بانک‌ها مکلف گردیدند که در سقف اعتبارات معین شده از سوی بانک مرکزی، در بخش‌های اقتصادی مختلف فعالیت نمایند. در این زمینه بخش تولید اولویت داشت و منابع بانک‌ها نیز بیشتر در چارچوب طرح‌های توسعه و تولید و به‌ویژه طرح‌های عمرانی درازمدت صرف شد. بخش صنعت و مسکن در سال‌های اخیر بیشترین سهم را در جذب تسهیلات اعتباری بانک‌ها داشتند.

با این وصف بانک‌ها نتوانستند آن‌گونه که بررسی‌های اقتصادی شهادت می‌داد، در طرح‌های سودآور و کوتاه‌مدت تجارت خارجی به‌طور کامل مشارکت کنند. فقط ۱۶ درصد تسهیلات بانک‌ها می‌توانست به بخش تجارت تخصیص پیدا کند که با توجه به حجم واردات (۵ تا ۶ میلیارد دلار در سال برای کالاهایی که

اعتبار اسنادی‌گشایش می‌یابد نه واردات بخش دولتی) و صادرات غیرنفتی، تسهیلات محدود بانک‌ها نتوانست نیاز واردکنندگان و صادرکنندگان را تأمین کند.

اما در بخش ارایه خدمات بانکی، بانک‌ها توانسته‌اند به توفیق نسبی دست پیدا کنند، هر چند که هنوز روند کار در آنها کندتر از بانک‌های اروپایی است، لیکن در سایه انجام به‌موقع تعهدات خارجی کشور، از اعتبار و اعتماد بانک‌های خارجی برخوردار شده‌اند و قادر هستند خدمات موردنیاز را تأمین کنند.

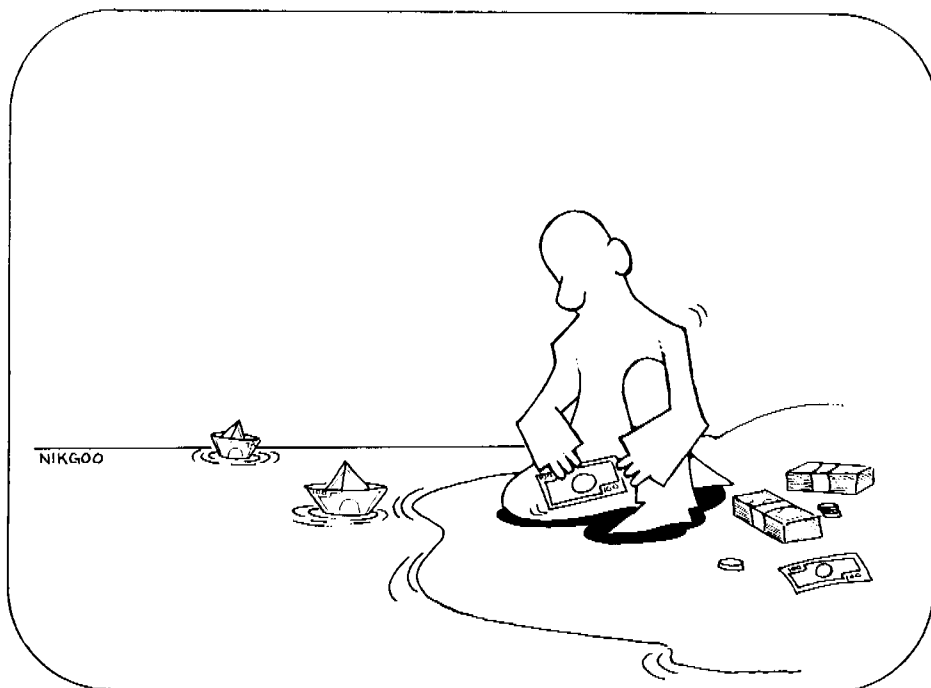
در حال حاضر اعتبار اسنادی‌گشایش یافته از سوی بانک‌های ایرانی موردقبول بانک‌های خارجی است و در این زمینه واردکنندگان با مشکلی روبه‌رو نمی‌شوند. در بخش نقل و انتقال پول به کشور نیز بانک‌های ایرانی معمولاً مشکلی ندارند و فقط تا حدودی روند کارشان از سرعت زیاد برخوردار نیست. اما باید گفت که بانک‌های خارجی با هدف کسب سود، گاه تأخیرهایی را در نقل و اتصالات پولی ایجاد می‌کنند.

○ کاهش مداخله دولت در نظام بانکی الزامی است، بانک‌ها باید در مورد ارزیابی طرح‌های سرمایه‌گذاری استقلال داشته‌باشند تا وجوه سپرده‌شده از سوی مردم را در طرح‌های پربازده مصرف کنند.

درخواست وثیقه ملکی نیز از مواردی است که می‌بایست هر چه سریع‌تر راه‌حلی برای آن یافت تا امر تجارت خارجی از سهولت و روانی کافی برخوردار شود. در زمینه نرخ سود تسهیلات اعتباری پرداختی بانک‌ها به دست‌اندرکاران تجارت خارجی به‌ویژه صادرکنندگان نیز باید نظام بانکی چاره‌اندیشی کند و با توجه به زمان کوتاه‌تر بازگشت پول، تسهیلاتی را در این زمینه فراهم سازد. هر چند که نظام بانکی با درگیر شدن در سرمایه‌گذاری در طرح‌های بلندمدت و کم‌بازده، در حال حاضر، مبنای سود را بر اعتبارات اعطایی به بخش بازرگانی نهاده است.

راه‌حل‌های پیشنهادی

روشن کردن این موضوع که تجارت خارجی تا چه حد گسترش یابد که به نفع اقتصاد کشور باشد، عمده‌ترین موضوعی است که سیاست‌گذاران اقتصاد کلان باید بدان پردازند. با توجه به نتایج مثبت اجرای الگوی توسعه صادرات در



پدیده‌ای نه تنها از بعد اقتصادی بلکه از بعد اجتماعی نیز جایز نیست.

با این وصف ضرورت کاهش مداخله دولت در نظام وام‌دهی بانک‌ها بیش از پیش احساس می‌شود.

بانک‌ها برای کمک به توسعه صادرات غیرنفتی که از اهم برنامه‌های اقتصادی کشور است می‌توانند منابع بیشتری را به صادرکنندگان اختصاص دهند و آنها را در تهیه و تدارک کالاهای صادراتی از بازار داخلی بیش از پیش یاری دهند. چنین اقدامی به افزایش تولید ملی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در جامعه کمک می‌کند و این گامی در جهت فقرزدایی و ایجاد عدالت اجتماعی است.

از سوی دیگر بانک‌ها با در نظر گرفتن اولویت‌های اقتصادی کلان کشور، می‌توانند واردکنندگان کالاهای اساسی، تجهیزات و ماشین‌آلات سرمایه‌ای غیرقابل ساخت در داخل، ورود دانش فنی روز و... یاری دهند و منابع مالی مورد نیاز این گروه را تأمین کنند. در این زمینه توجه به صادرات نیز الزامی است و آن گروه از واردکنندگان مواد اولیه و لوازم مورد نیاز تولید کالاهای اساسی باید مورد حمایت و تشویق بیشتر قرار گیرند.

وجود قوانین و مقررات دست‌وپاگیر و پیچ‌وخم‌های اداری غیرضرور برای دریافت اعتبارات از بانک‌ها با تدوین یک روند کار مناسب و مختصر اما ایمن، ضرورت دارد.

بسیاری از کشورها که توانسته‌اند به رشد اقتصادی پایدار از پیگیری این الگو دست یابند، رفع موانع تجارت خارجی در شرایط کنونی اقتصاد ایران ضرورت دارد، هر چند که این اقدام در یک برنامه زمان‌بندی شده پنج‌ساله یا حتی ده‌ساله انجام شود.

توسعه صادرات غیرنفتی و رهایی از اقتصاد وابسته به نفت، بدون توجه به بازارهای خارجی امکان‌پذیر نیست. تا زمانی که توجه به بازار داخلی و تأمین نیازهای آن مدنظر باشد، نمی‌توان گام‌های اساسی و اصولی در جهت توسعه صادرات برداشت. جهت‌دهی سرمایه‌گذاری و در کنار آن منابع بانک‌ها به اجرای طرح‌های صادراتی و تأمین نیازمندی‌های مالی دست‌اندرکاران تجارت خارجی، الزامی است.

در این راستا، استقلال بیشتر نظام بانکی ضرورت دارد. نظام بانکی با ارزیابی طرح‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در طرح‌های سودده می‌تواند گام مؤثری در توسعه تولید و تجارت بردارد.

گفتنی است، تا زمانی که سقف اعطای اعتبارات بخشی بر مبنای سیاست‌های درون‌نگر تعیین می‌شود، نمی‌توان امیدوار بود که بانک‌ها از سرمایه‌گذاری منابع جمع‌آوری شده از مردم، بتوانند به حداکثر سود ممکن دست یابند و سپرده‌گذاران را از آن منتفع سازند. در سال‌های اخیر، بانک‌ها با اعطای سود حداکثر ۱۸/۵ درصد به سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت پنج‌ساله که کمتر از میزان تورم بوده است، در واقع، بخشی از قدرت خرید سپرده‌گذاران را بلعیده و به آنها خسارت وارد آورده‌اند. ادامه چنین روندی از یک سو به کاهش سپرده‌های مردم نزد بانک‌ها و از سوی دیگر به رونق دلالی و واسطه‌گری و رباخواری در بازار آزاد پول، می‌انجامد. چنین